

## مالکیت فکری، در نظام حقوقی ایران وضعیت امروز، چشم‌انداز فردا

مالکیت فکری، هرچند سالهاست در عرف حقوقی جهان پذیرفته شده است اما همچنان به عنوان موضوعی ویژه که ابعاد گوناگون آن باید دقیق‌تر و کامل‌تر تبیین گردد در معرض توجه دولتها و مجامع بین‌المللی قرار دارد.

در این میان نظام مالکیت فکری به رغم تمام ظرفیتهایی که پدید می‌آورد در تلقی برخی کشورهای در حال توسعه محدودیتهایی را نیز در مسیر سرعت بخشیدن به پیشرفت رقم می‌زند که موجب گردیده چندان تمایلی برای رعایت کامل این نظام - خصوصاً در عرصه بین‌المللی - از خود نشان ندهند.

در ایران، ابهام در مشروعیت یا عدم مشروعیت بر بیچیدگی این وضعیت افزوده است. با این همه، در سالهای اخیر عزمی در جهت توسعه این شاخه از حقوق را می‌توان در عملکرد دولت و مجلس مشاهده کرد، که این خود به معنی عبور از دغدغه‌ها و ابهامات پیش‌گفته است.

مجله حقوقی دادگستری با طرح پرسشهایی چند از پژوهشگران و استادان این شاخه از دانش حقوق کوشیده است گامی در جهت روشن‌تر شدن وضعیت امروز و افق پیش‌روی نظام مالکیت فکری در ایران بردارد. در ادامه پرسشهای مجله و پاسخهای استادان گرانقدر بدانها - که به ترتیب وصول به دفتر مجله تنظیم شده‌اند - می‌آید.

دکتر محمود صادقی، دکتر سیدحسن میرحسینی، دکتر رضا وصالی محمود و دکتر ستار زرکلام بزرگوارانی بودند که به پرسشهای ما پاسخ گفته‌اند.

مهم‌ترین مبنای نظری شناسایی مالکیت فکری به عنوان یک حق و حمایت قانونی از آن چیست؟

دکتر صادقی: به طور خلاصه در خصوص مبنای نظری شناسایی مالکیت فکری به عنوان یک حق دو دسته نظریه وجود دارد:

۱. نظریه‌های مبتنی بر حقوق طبیعی، که حق بر آفرینشهای فکری را از آن جهت که محصول کار و فعالیت یا سرمایه‌گذاری افراد است، از حقوق طبیعی و حتی جزء حقوق بشری می‌دانند.

۲. نظریه‌های مبتنی بر سودمندگرایی؛ که مالکیت فکری را از جهت آثار سودمند آن، مثل تشویق و ایجاد انگیزه برای افراد در خلق آثار علمی، ادبی و هنری و رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جامعه مستوجب حمایت قانونی می‌دانند.

در فقه هم بعضی از فقها، مثل امام خمینی (ره)، شناسایی حق مؤلف و حق اختراع را از آن جهت که موجب سلب حق تصرف و سلطه افراد در اموالشان و برقراری حقوق انحصاری برای صاحبان این گونه حقوق می‌شود، معایر با قاعده تسلیط و فاقد وجه شرعی دانسته‌اند. در عین حال ایشان تصریح کرده‌اند که اگر مصلحت جامعه اقتضا کند، ولی مسلمین می‌تواند این گونه امتیازات و حقوق انحصاری را به رسمیت بشناسد. به عبارت دیگر مالکیت فکری را فی نفسه معتبر نمی‌دانند، اما حمایت دولت از آن را به لحاظ آثار و فوایدش برای اجتماع، در چهارچوب اختیارات حاکم (طبق نظریه ولایت مطلقه فقیه) امکان‌پذیر دانسته‌اند. این نظر را می‌توان از نظریه‌های مبتنی بر سودمندگرایی دانست. اما بسیاری از فقهای کنونی مالکیت فکری را گونه‌ای جدید از مال می‌دانند، که هرچند در زمان شارع وجود نداشته، اما عموماً حرمت مال مسلم شامل آن می‌شود. زیرا مال چیزی است که عرفاً قیمت داشته باشد و مورد مبادله قرار گیرد و این گونه اموال هرچند مال

ملموس فیزیکی نیستند، اما عرفاً مورد داد و ستد قرار می‌گیرند. طبق این نظر حق مالکیت فکری صرف نظر از آثار و فواید و مصالحی که بر شناسایی آن مترتب است، شرعاً معتبر و محترم است. این دیدگاه را می‌توان در دسته نظریه‌های مبتنی بر حقوق طبیعی قرار داد.

دکتر میرحسینی: در مورد مهم‌ترین مبنای نظری شناسایی مالکیت فکری به عنوان یک حق تعاریف زیر قابل توجه است:

۱. عده‌ای از حقوق‌دانان حق ناشی از پدیدآوردن یک اثر را نوعی مالکیت دانسته‌اند. در نتیجه پدیدآورنده یک اثر فکری نسبت به اثر خود که نتیجه ابداع اوست، دارای یک حق مالکیت غیر مادی انحصاری و قابل استناد در برابر همگان است (قوانین فرانسه در این راستا تدوین شده است).

۲. عده‌ای دیگر از حقوق‌دانان بر این اعتقادند که اگر منظور این باشد که حق ناشی از خلق یک اثر حق مالکیت حقیقی یا کلاسیک است و هیچ فرقی با آن حقیقی که بر شیء مادی تعلق می‌گیرد ندارد، این امر نیاز به امعان نظر دارد زیرا شیء غیر مادی چیز غیر محسوسی نیست و تنها با فکر و اندیشه درک می‌شود. از همین رو مالکیت مادی صرفاً یک امر مادی است، در حالی که مالکیت فکری متصل به شخصیت پدیدآورنده و حتی جزئی از آن است از این رو دو حق اخلاقی و مادی در کنار هم در حقوق مالکیت فکری مطرح می‌گردند.

۳. طبق نظر عده‌ای دیگر از حقوق‌دانان از جمله برخی از حقوق‌دانان اسلامی، حقوق اعم است از مالکیت، مالکیت حقیقی است که به اموال چه منقول و چه غیر منقول تعلق می‌گیرد، حال سؤال این است که آیا امور معنوی مال است، آیا نوع سومی از مال است یا نه؟ در پاسخ گفته می‌شود که منظور این نیست که امور معنوی از قبیل فکر، مال باشد، بلکه مقصود این است که کسی که فکری را ابتکار می‌کند یک نوع حق برداشتی نسبت به ابتکار و نتیجه ابتکار دارد که دیگران حق استفاده از آن ابتکار را ندارند. این حق مالکیت

نیست، بلکه یک نوع حق دیگری است که متعلق آن، مال نیست. با توجه به نظریه‌های فوق می‌توان گفت که در حقوق کشور ما اطلاق مالکیت به حقوق معنوی (فکری) دارای ایراد نخواهد بود زیرا در قانون مدنی ایران دو نوع مالکیت عین و منفعت مورد قبول واقع شده است. بسیاری از نمونه‌های مالکیت منافع با واژه «حق» معرفی شده است مانند حق کار فکری، حق مؤلف، حق انحصاری استفاده از اختراع و مانند آنها، زیرا کار انسان منفعت وجود اوست و او مالک منافع خود می‌باشد. خلاصه اینکه در حقوق ما، مالکیت حقوق معنوی (فکری) همانند حقوق عینی است اما موضوع این حقوق اشیاء غیرمادی و نامحسوس است که از آن به «حقوق مالکیت» نیز تعبیر می‌شود.

به علاوه جدای از بحث حقوق مالکیت فکری، موضوع دیگری که در همین ارتباط مطرح می‌گردد استفاده از عبارت حقوق مالکیت معنوی به جای آن در متون قانونی است. در این رابطه برخی از حقوق‌دانان اصطلاح مالکیت‌های فکری را مناسب دانسته و معتقدند که کلمه معنوی در لغت منسوب به معنی و در مقابل مادی توصیف شده است، حال آنکه منشأ این حقوق فکر و اندیشه و تعقل انسان است. در مقابل، تعدادی دیگر اصطلاح حقوق مالکیت معنوی را مناسب‌تر می‌دانند و معتقدند که همه موضوعات مالکیت‌های معنوی الزاماً در اثر تفکر و اندیشه ایجاد نمی‌گردد، بلکه برخی از آنها تنها به لحاظ اینکه وجود مادی ندارد در این مقوله جای می‌گیرد، مانند سرقلمی.

دکتر وصالی محمود: برای پاسخ دادن به این پرسش باید به دو بُعد «حق» اشاره شود: ۱. بُعد معنوی؛ ۲. بُعد مادی.

حق را فقها و حقوق‌دانان به توانایی و سلطه تعبیر می‌کنند: «فإنَّ الحقَّ نوع من السلطة علی شیءٍ متعلق به کحقِّ التَّحجیر و حقِّ الرهانه و حقِّ الخيار

المتعلق بالعقد أو علی شخصٍ حق القصاص... و نحو ذلك فهي مرتبة ضعيفة من الملك، بل نوع منه...»<sup>(۱)</sup>

با توجه به تعریف مذکور چون «حق» سلطه و توانایی نسبت به چیزی یا شخصی بوده، خود حق نمی تواند چیز مادی باشد. بلکه حق همواره یک امر معنوی است. آنچه مادی است موضوع حق می باشد که حق به آن تعلق می گیرد. به طور مثال، در حق عینی و حق شخصی هر دو «حق» معنوی هستند، ولی متعلق آنها اشیاء مادی خواهد بود. پس، هرگاه موضوع حق شیئی مادی نباشد، آن را «حق معنوی» می گویند. بنابراین، در حقوق معنوی، سخن از حق غیرمادی یعنی حقی که موضوع آن شیئی غیرمادی است، در میان می باشد. مانند حقی که پدیدآورنده اثر، نسبت به انتشار انحصاری آن دارد. این حق انحصاری ارزش مالی دارد. اما، مال مادی و ملموس نیست. همین حقی که اکنون موضوع آن ارزش مالی و مادی دارد، شایسته حمایت قانونی است. از این رو، امروزه، تقسیم بندی حق از عینی و دینی فراتر رفته و حق معنوی نیز به آن افزوده شده است. و نوعی تحوّل در حقوق مالکیت می باشد که با وجود مصادیق متعدد و انکارناپذیر آن و پذیرش عرف جامعه، تردیدی در وجود حق جدیدی با عنوان مذکور نیست. البته اضافه می گردد، آن تقسیم بندی از حق که در ماده ۳ قانون حمایت مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ از حق به «مادی و معنوی» به عمل آمده، با آنچه ذکر شد، متفاوت می باشد. زیرا منظور از حق معنوی مقرر در ماده ۳ حقی است که مربوط به شهرت، افتخار، شخصیت ممتاز پدیدآورنده و برخی اختیارات وی در تغییر مفاد و شکل «اثر» است که محدود به زمان و مکان نبوده و قابل انتقال هم نمی باشد. ولی حق معنوی که موضوع آن شیئی غیرمادی، یعنی ابداعات ذهنی و نوآوریهای فکری بشر بوده، حقی است که ارزش مادی و

قابلیت مبادله پیدا می‌کند و همان «حق مادی» است که در ماده ۳ قانون مرقوم به آن اشاره شده است.

اما چرا حق مذکور ارزش مالی دارد؟ باید رابطه حق مزبور را با مالکیت سنجید. حقوق دانان مالکیت را، مهم‌ترین حق عینی قلمداد کرده و در تعریف آن گفته‌اند: «مالکیت، عبارت از رابطه‌ای بین شخص و شیئی که به وی حق همه‌گونه تصرف و انتفاع را می‌دهد. مالکیت حقی است، مطلق و انحصاری»<sup>(۱)</sup> از این‌رو، مالک می‌تواند در مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع را داشته و با قید «انحصاری بودن» دیگران را از دخالت و تصرف یا بهره‌برداری در مال خود منع نماید.

از سوی دیگر، قانون مدنی ایران، مالکیت بر منفعت را در ماده ۲۹ و ۴۶۶ به رسمیت شناخته و همان امتیازاتی که دارنده حق مالکیت، بر اموال خود داشته، دارنده حق معنوی هم می‌تواند بهره‌مند باشد. و مالکیت بر منفعت در جهان امروز گسترش یافته مصادیق دیگری را هم فرا می‌گیرد که حقوق معنوی گفته می‌شود. و نظر به اینکه، حقی که ارزش مادی یافت، به طور مطلق و انحصاری مورد استفاده صاحب حق قرار می‌گیرد، از این جهت به «مالکیت فکری» یا «مالکیت معنوی» تعبیر می‌شود که «حق مالکیت ادبی و هنری»، «حق مالکیت صنعتی» و یا «حق مالکیت سرفقلمی» از جمله عناوین اساسی در این زمینه می‌باشند. البته حقوق دانان با مسامحه از «حق معنوی» یا «حق مالکیت معنوی» بدون توجه به تفاوت آنها استفاده می‌کنند.

بنا به جهاتی که بیان شد، مالکیت فکری به عنوان یک حق با ارزش مادی و قابلیت مبادله با سایر اموال، شایسته حمایت قانونی است.<sup>(۲)</sup>

دکتر زرکلام: به نظر اینجانب مهم‌ترین مبنای نظری شناسایی مالکیت

۱. صفائی (حسین)، دوره مقدماتی حقوق مدنی، ج ۱، تهران، ۱۳۵۰، ص ۲۵۰.

۲. در نگارش این قسمت، از بانان‌نامه دکتری حمید استفاده کرده‌ام.

فکری به عنوان یک حق نه مالک بودن شخص نسبت به آثار فکری و تلاشهای ذهنی خود بلکه حقی است که برای پدیدآورنده به عنوان اثر شخصی و وابسته به شخص ایجاد می‌شود. در این معنی حمایت از آثار مالکیت فکری به عنوان حقوق فردی صورت می‌گیرد. همان طوری که شخص نسبت به تمامیت جسمانی، حیثیت و اعتبار خود دارای حق است نسبت به آثاری هم که زاینده کوششهای فکری اوست دارای حق شناخته می‌شود. حقوق مادی و معنوی اثر که برای پدیدآورنده شناخته می‌شود از تبعات و آثار ماهیت شخصی آثار مالکیت فکری است.

\*\*\*

آیا نظام مالکیت فکری را می‌توان سدی در راه پیشرفت کشورهای توسعه نیافته - خصوصاً در قلمرو صنعتی - قلمداد کرد؟ چه تدبیری برای انحصاری نشدن دانش - به عنوان دستاوردی بشری - وجود دارد؟

دکتر صادقی: چنین نقدی به نظام مالکیت فکری عمدتاً ناظر به حمایت بین‌المللی از مالکیت فکری است، که با فرایند جهانی شدن تجارت در دهه اخیر شدت و حدت بیشتری یافته است. طبق این دیدگاه، با توجه به اینکه دانش فنی عمدتاً در اختیار کشورهای پیشرفته است، الزام کشورهای توسعه نیافته به ثبت و حمایت از حقوق مالکیت فکری بیگانگان موجب برقراری امتیازات انحصاری برای شرکتهای خارجی و در نتیجه مانعی برای دسترسی به دانش و رشد و توسعه کشورهای توسعه نیافته می‌شود. این انتقاد تا حد زیادی وارد است. اما به نظر می‌رسد اولاً، با روند جهانی شدن تجارت پذیرش این نظام برای کشورهای در حال توسعه تقریباً اجتناب ناپذیر شده است. ثانیاً، فقدان نظام حمایتی مؤثر از مالکیت فکری نیز کشور را به بازاری برای کالاها و محصولات تقلبی و فاقد کیفیت تبدیل می‌کند و رغبت شرکتهای صاحب فناوری را برای سرمایه‌گذاری در کشور را کاهش می‌دهد. ثالثاً، در درون نظام مالکیت فکری تدابیری تعبیه شده، مثل لزوم توصیف و

افشای اختراع هنگام ثبت و در اختیار عموم قرار گرفتن پتنتهای صادره، محدود بودن مدت پس از حمایت از آن و پیوستن آن به domain Public پس از انقضای مدت و نیز محدودیتهای، معافیتها و استثنایهایی که برای استفادههای علمی و غیرتجاری از آثار مورد حمایت در قوانین داخلی و معاهدههای بین‌المللی پیش‌بینی شده، همچنین امکان صدور لیسانسهای اجباری، که می‌توان با استفاده از این تدابیر از آثار سوء این نظام کاست. لذا کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در مذاکرات و چانه‌زنیهای خود با کشورهای توسعه یافته تلاش می‌کنند این گونه تدابیر و طرق را تقویت کنند.

دکتر میرحسینی: عده‌ای بر این باورند که با استفاده بدون مجوز از دستاوردهای علمی مورد حمایت - که در شرایط عادی باید برای استفاده از آنها حقوق مادی صاحب حق پرداخت شود - می‌توان به فرایند توسعه با هزینه کمتری تداوم بخشید و این امکان را فراهم آورد که به طور رایگان از تولیدات علمی جهانی استفاده کرد و این خود یک مزیت در عرصه رقابت نیز محسوب می‌شود. از این رو قبول معیارهای حمایت از مالکیت فکری اعم از اختراعات، علائم تجاری، طرحهای صنعتی و کپی‌رایت را سدی در راه پیشرفتهای علمی کشورهای در حال توسعه می‌داند.

اما این نظریه دیدگاهی ایستا نسبت به موضوع بهره‌گیری از دستاوردهای علمی دیگران را ارائه می‌کند. گرچه ممکن است به ظاهر صرفه‌جویی در این هزینه‌ها، به سهم خود در فرایند توسعه مؤثر باشد لیکن با تأمل بیشتر دقیقاً خلاف این نتیجه‌گیری در یک دیدگاه پویا نسبت به توسعه حاصل می‌گردد. به این صورت که اولاً، استفاده بدون مجوز از مالکیت‌های فکری متعلق به سایر کشورها یا به عبارت دیگر عدم حمایت از این مالکیت‌های خارجی در داخل کشور سبب می‌شود که متقابلاً صاحبان اندیشه و فکر در داخل یک کشور در حال توسعه نیز نتوانند محصولات فکری خود را در سایر کشورها مورد



بهره‌برداری قرار دهند و به این ترتیب از امتیازات اقتصادی حاصل از این تلاشها در خارج بی‌بهره بمانند که این امر به سهم خود بر تداوم آن فعالیت اثر منفی خواهد گذاشت، چرا که پشتیبانیهای مادی از آن محصولات فکری لازمه تحولات و پیشرفتهای بعدی در آن رشته است، ثانیاً، ضمن اینکه استفاده بدون مجوز از برخی مالکیت‌های فکری در حوزه‌هایی حساس عملاً ممکن نیست و وجود چنین عملکردی در نظام مالکیت فکری یک کشور در حال توسعه سبب خواهد شد که جریان سرمایه، فناوری و تجارت خارجی از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای مذکور با اختلال روبه‌رو گردد چرا که مالکیت‌های فکری در مقولات اشاره شده به نحو آشکاری وجود دارند که می‌بایست در کشور مقصد (کشورهای در حال توسعه) مورد حمایت قرار گیرند، ثالثاً، اتخاذ چنین رویکردی توسط یک کشور در حال توسعه مانع از آن خواهد شد که کشور مزبور وارد ترتیبات بین‌المللی چندجانبه در زمینه مالکیت فکری شود که در چهارچوب آنها تولیدات فکری در سطح جهانی مورد حمایت قرار می‌گیرد و به دور ماندن از این ترتیبات نیز به سهم خود سبب انزوای هرچه بیشتر کشور در یک اقتصاد جهانی شده می‌گردد که چنین ابزارهایی را برای تنظیم امور و روابط در چنین فضایی به وجود آورده است.

در پاسخ به این موضوع که چه تدبیری برای انحصاری نشدن دانش به عنوان دستاوردهای بشری وجود دارد لازم به ذکر است که گرچه صاحبان اندیشه، در صورت حمایت از مالکیت‌های مربوط طبق مقررات داخلی و بین‌المللی از حقوق انحصاری در بهره‌برداری مادی از مالکیت‌های مذکور برخوردارند، یعنی هرگونه استفاده اشخاص ثالث مگر استثنائاتی که ذکر خواهد شد، می‌بایست با اجازه قبلی و پرداخت امتیازات مورد نظر همراه باشد، اما در واقع حقوق مالکیت فکری ضمن جانبداری و حمایت از صاحب اندیشه می‌کوشد تعادلی نیز میان حقوق او و حقوق اجتماع در بهره‌گیری از

ثمرات این دانش برقرار کند و بدین منظور مکانیزمهایی در حقوق مالکیت فکری تعیبه شده است که چنین تعادلی را میان حقوق فردی و جمعی به وجود می آورد که اهم آنها به قرار زیرند:

۱. به عنوان قاعده کلی مدت حمایت از مالکیتهای فکری، اعم از مالکیتهای صنعتی یا ادبی و هنری (کپی رایت) محدود است به این معنا که صاحب حق فقط طی چنین مدتی می تواند از امتیازات مادی ناشی از حق انحصاری خود بهره مند گردد، پس از آن بهره گیری از حقوق مذکور توسط جامعه (و حتی هر کشوری) محتاج به هیچ گونه مجوزی نخواهد بود.

۲. در حوزه هایی چون استفاده های شخصی یا اهداف غیر انتفاعی یا مقاصد تحقیقاتی و برخی موارد دیگر بر حسب مورد، بهره گیری از مالکیتهای فکری، حتی در دوره مورد حمایت، نیز احتیاج به کسب اجازه از صاحب حق ندارد، مشروط بر اینکه این بهره برداری جنبه تجاری نداشته باشد.

۳. در مواردی نیز که مقام عمومی تشخیص دهد استفاده از یک موضوع مالکیت صنعتی به ویژه اختراع برای جامعه ضرورت دارد و صاحب حق به هر دلیل از واگذاری یا اجازه استفاده آن به دیگران سر باز می زند، تحت شرایطی می تواند اقدام به صدور مجوز اجباری کند که در این صورت به لحاظ فوریت و اهمیت موضوع اجازه بهره برداری مثلاً از یک اختراع به اشخاص ثالث داده می شود و حقوق اقتصادی عادلانه ای نیز به صاحب حق پرداخت می گردد.

۴. بالاخره استثنائاتی در قوانین داخلی به صورت عدم ثبت برخی موضوعات مالکیت فکری وجود دارد از جمله مواردی که با نظم عمومی یا اخلاق حسنه مغایرت دارد (تشخیص آن با قانون ملی است) یا اینکه مقولات مربوط اصولاً قابل حمایت نمی باشند مانند ثبت منابع ژنتیک، ثبت علامتی

مشابه پرچم یک کشور یا اختراعات داروئی و موارد دیگر.

دکتر وصالی محمود: استاد کاتوزیان در عبارتی ارزش علم برای پیشرفت و توسعه کشورها را چنین بیان می‌نماید: «دنیای کنونی را علم اداره می‌کند. پیشرفت صنایع و فنون چهره زندگی را دگرگون ساخته است. انسان پای برپام آسمان نهاده و سودای عروج دارد، زمین را تنگ و محدود می‌بیند می‌خواهد در کهکشان بجنگد و در مریخ بیارامد».<sup>(۱)</sup>

در چنین شرایطی نمی‌توان انتظار داشت عده‌ای در کنار بایستند و از حاصل اندیشه دیگران بهره‌مند شوند. مالکیت فکری چه در قلمرو صنعتی و چه در حوزه هنری و ادبی، نتیجه و حاصل تلاشهای فکری بشر است. در هر جامعه‌ای که فعالیتهای ذهنی بیشتر باشد و مورد حمایت قانونی قرار گیرد، در اثر نیاز اشخاص به یکدیگر و ایجاد رقابت، ابتکارات و نوآوریها افزون می‌گردد و این امر موجب توسعه علم و پیشرفت جامعه می‌شود و لذا این اعتقاد که «نظام مالکیت فکری» سد راه پیشرفت جهان سوم یا کشورهای در حال توسعه خواهد شد، مبنای درستی ندارد. این کشورها نباید انتظار پیشرفت به وسیله کشورهای دیگر را داشته باشند، باید خود نظام حمایتی از فکر و اندیشه را توسعه داده و نظم بخشند.

با توجه به شرایط کنونی مالکیت فکری در جهان و دقت به این موضوع که دنیای کنونی را «مالکیت فکری» متحول می‌کند، کوتاهی در این زمینه بیشتر موجب ضعف علمی و صنعتی کشورهای در حال توسعه خواهد شد. کشورهای صنعتی و پیشرفته جهان، با حمایت از اندیشه و دستاوردهای فکری بشر توانسته‌اند خود را در موقعیت برتر از سایر کشورها قرار دهند. ژاپنها در اثر فقر و مصیبتهای پس از جنگ جهانی دوم و نداشتن ثروت زیر

۱. کاتوزیان (ناصر)، مقاله توجیه و نقد رویه فضائی، مجله کانون وکلا، دوره جدید، شماره ۴،

زمینی در کشور خود، چاره نجات از شرایط بحرانی را در استفاده از فکر خود که بهترین سرمایه و هدیه خداوندی است، دیدند. این مطلب، بیان خود آنان می‌باشد. کشورهای مستقل جهان سوم نیز فقط از این طریق می‌توانند، رشد کنند و به توسعه خود سرعت بخشند و الا باید برای همیشه دنباله‌رو کشورهای سلطه‌گر توسعه‌یافته بوده که طریق کسب منفعت را در فروش تکنولوژی دیده و برای نیاز این کشورها، شرایط تحمیلی خود را تعیین می‌کنند. چون در حال حاضر کشورهایی مانند ایران، تصمیم‌گیرنده اصلی نیستند، نمی‌توان انتظار داشت از «انحصاری شدن دانش» جلوگیری شود، ولی با حمایت قانونی جدی در داخل کشور و تشویق صاحبان فکر و اندیشه و هنر و منع سوء استفاده از حاصل اندیشه دیگران، می‌توان مسیر پیشرفت را به سرعت طی کرد. بی‌نظمی و خلأ قانونی‌ای که در مورد مالکیت فکری در کشور ما وجود دارد به ضرر کشور بوده و کسانی که باید به توسعه کشور کمک کنند و دارای فکر و ابتکار هستند کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. زمانی باید به همگانی شدن دانش فکر شود که کشور توان علمی و صنعتی پیشرفته‌ای داشته و تصمیم‌گیرنده باشد.

دکتر زرکلام: شناسایی حقوق انحصاری برای پدیدآورنده اثری فکری می‌تواند باعث و انگیزه‌ای برای تلاش و کوشش به منظور دستیابی به تکنولوژی و دانش فنی شود و از این رو سد راه پیشرفتهای علمی کشورهای توسعه‌نیافته نیست. مسلماً نمی‌توان از کشورهای پیشرفته صنعتی انتظار داشت که نتایج و حاصل کوششهای علمی و فنی و ادبی و هنری خود را به طور رایگان در اختیار کشورهای توسعه‌نیافته قرار دهند. به علاوه آنچه انحصاری است دانش بشری نیست و دانش کما بیش در اختیار همه کشورهای قرار دارد بلکه دستاوردهای بشری است که انحصاری بودن آن به نظر امری طبیعی و عقلانی است.

\*\*\*

آیا قوانین فعلی ایران با توجه به وضع متعارف جهانی می‌تواند حمایتی فراگیر و کامل از مالکیت فکری را ساماندهی کند؟

دکتر صادقی: ما دو قانون اصلی در زمینه مالکیت فکری داریم؛ یکی قانون ثبت علائم و اختراعات است که در تاریخ تیرماه ۱۳۱۰ تصویب شده و آیین‌نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۳۷ است. طبیعی است که این قانون قدیمی است و کاستیهایی از قبیل عدم پیش‌بینی نظام کارآمد ثبت، عدم پیش‌بینی ثبت طرحهای صنعتی، ابهام در نحوه حمایت از اختراعات دارویی و امکان یا عدم امکان ثبت اختراعات در حوزه فناوری زیستی، عدم پیش‌بینی ثبت علائم خدمت و برخی از اشکال نوین علائم تجاری، عدم وضع ضمانت اجراهای لازم و اشکالات دیگر نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای فعلی باشد. مخصوصاً اینکه ضمانت اجراهای کیفری هم که قبلاً در قانون مجازات عمومی پیش‌بینی شده بود، با تصویب بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی در سال ۷۵ منسوخ شده یا در بونه ابهام قرار گرفته است. قانون اصلی دیگر قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، که این قانون هم، علی‌رغم اینکه در نوع خود قانون نسبتاً جامعی است، اما به لحاظ کاستی‌هایی، مثل کوتاه بودن مدت حمایت (۳۰ سال پس از مرگ پدیدآورنده)، فقدان حمایت از حقوق موسوم به حقوق مرتبط (شامل حقوق اجراکنندگان، حقوق سازمانهای پخش امواج، حقوق تولیدکنندگان آثار صوتی)، فقدان حمایت از آثار جدید، مثل آثار مبتنی بر رایانه (که البته این نقیصه با تصویب قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۷۹ تا حدودی برطرف شده)، عدم پیش‌بینی مقررات خاص در زمینه مالکیت اولیه حق مؤلف در مواردی مثل آثار مستعار و آثاری که در نتیجه روابط استخدامی خلق می‌شوند، همچنین فقدان مقررات خاص درباره قراردادهای اجازه بهره‌برداری از حقوق مؤلف و واگذاری آن به قواعد

عمومی قرارداد (که اغلب موجب تضییع حقوق پدیدآورندگان در مقابل بهره‌برداران می‌شود)، مشروط بودن حمایت از اثر به انتشار نخستین آن در ایران، عدم پیش‌بینی سازمانهای مدیریت جمعی حقوق و غیره، نیاز به بازنگری دارد.

دکتر میرحسینی: در پاسخ به این سؤال که آیا قوانین فعلی ایران با توجه به وضع متعارف جهانی می‌تواند حمایتی فراگیر و کامل از مالکیت فکری را سامان‌دهی کند باید میان دو مقوله مالکیت‌های صنعتی (مانند اختراعات، علائم تجاری، طرحهای صنعتی، نشانه‌های جغرافیایی، اسرار تجاری و مواردی از این دست) و مالکیت‌های ادبی و هنری (مانند تألیف کتاب، نوشتن یک رمان، ساختن یک فیلم و موارد متعدد دیگر در قالب کپی‌رایت) قائل به تمایز شد. از سوی دیگر اگر معیار تشخیص «وضع متعارف جهانی» تبعیت از مقررات رایج مورد توافق کشورها باشد، این معیارها را باید در تعداد اعضای کنوانسیونهای مهم چند جانبه بین‌المللی در حوزه حقوق مالکیت فکری مانند کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی (۱۸۸۳) با حدود ۱۷۰ کشور عضو و کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری (۱۸۸۶) با حدود ۱۶۰ عضو و اخیراً موافقت‌نامهٔ تریپس (۱۹۹۵) با حدود ۱۵۰ عضو جست‌وجو کرد.

به هر حال در پاسخ به بخش نخست این سؤال باید تصریح کرد که قوانین فعلی مالکیت صنعتی کشور (به ویژه قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۱۰ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی ۱۳۸۳ و برخی مقررات پراکنده دیگر) مغایرت چندانی با استانداردهای حمایتی مقرر در کنوانسیونهای ناظر بر مالکیت صنعتی ندارد چرا که ایران در تعدادی از آنها نیز عضویت دارد. متتهای مراتب از بسیاری جهات مقررات مالکیت صنعتی کنونی با خلأهای

مواجه می‌باشند. مثلاً در قانون ۱۳۱۰ امکان حمایت از طرحهای صنعتی، اسرار تجاری یا طرحهای ساخت مدارهای یکپارچه وجود ندارد یا در این قانون امکان صدور مجوزهای اجباری پیش‌بینی نشده است و بسیاری موارد دیگر، ولی در هر حال، هرگونه حمایت که مقررات موجود در زمینه مالکیت‌های صنعتی به اتباع داخلی اعطا می‌کنند، به دلیل الحاق ایران به اسناد بین‌المللی ذی‌ربط، امکان تعمیم این حمایت به سایر کشورهای مورد نظر عضو این اسناد وجود دارد و البته متقابلاً چنین حمایتی از اتباع آن کشورها در ایران به عمل می‌آید. از جمله اسناد بین‌المللی کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، موافقت‌نامه مادرید در مورد ثبت بین‌المللی علائم تجاری و پروتکل آن، موافقت‌نامه لیسبون در خصوص حمایت از اسامی مبدأ و ثبت بین‌المللی آنها، و موافقت‌نامه مادرید در مورد جلوگیری از نصب نشانه‌های مجهول و گمراه‌کننده بر روی کالاها، هستند که زمینه حمایت بین‌المللی از صاحبان مالکیت‌های فکری مربوط در ایران را فراهم می‌آورند. اما از آنجا که پیش شرط حمایت بین‌المللی، حمایت از تولیدات مالکیت صنعتی در داخل است، طبعاً در حوزه‌هایی که خلأ قانونی وجود دارد، امکان کسب هرگونه حمایت بین‌المللی در قالب توافقات چند جانبه منتفی است.

در پاسخ به بخش دوم این سؤال یعنی حوزه مالکیت‌های ادبی و هنری (کپی‌رایت)، باید متذکر شد که این‌گونه مالکیت‌ها علی‌الاصول در کشور مورد حمایت قرار می‌گیرند، منتهای مراتب این حمایت مشروط بر آن است که اثر ادبی، هنری یا علمی برای نخستین بار در ایران به عموم عرضه شده باشد (پدین الزام به ثبت) این قید در همه قوانین و مقررات کپی‌رایت کشور به‌ویژه قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸)، قانون ترجمه و تکثیر کتب و آثار صوتی (۱۳۵۲) و قانون حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای (۱۳۷۹) وجود دارد. نتیجه چنین شرطی آن است که آن دسته از آثار ادبی و

هنری که فاقد خصوصیت فوق باشند، در ایران حمایت نشوند. در نتیجه عموماً آثار ادبی و هنری متعلق به اتباع خارجی در ایران قابل حمایت نیست و به راحتی می‌تواند مورد بهره‌برداری غیر مجاز قرار بگیرد. متقابلاً آثار ادبی و هنری مورد حمایت در ایران نیز نمی‌توانند در سایر کشورها حمایت‌های لازم را برای جلوگیری از نقض حقوق خود کسب کنند، مضافاً اینکه ایران تاکنون به هیچ یک از ترتیبات چند جانبه بین‌المللی ناظر بر کپی‌رایت به‌ویژه کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری (۱۸۸۶) ملحق نشده است. به جز محدودیت فوق‌الذکر قوانین داخلی برخی از مقولات کپی‌رایت و حقوق مادی مرتبط با آنها را به طور کامل پوشش نمی‌دهند و از سوی دیگر موضوع حقوق مرتبط یا جانبی که به بخشی مهم از مالکیت‌های ادبی و هنری مربوط می‌گردد، در حدی بسیار ناقص پرداخته شده است. این حقوق مرتبط به طور اخص به اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش رادیویی - تلویزیونی مربوط می‌شود. بنابراین از این حیث نیز دامنه شمول قوانین کپی‌رایت کشور از لحاظ موضوعات تحت حمایت و استانداردهای حمایت مذکور در کنوانسیون‌های بین‌المللی به‌ویژه کنوانسیون برن و کنوانسیون رم (۱۹۶۷) که ناظر بر حقوق مرتبط است، با نارسایی جدی مواجه است.

دکتر وصالی محمود: پاسخ این سؤال منفی است. با توجه به شناخت جزئی‌ای که اینجانب از وضعیت مالکیت فکری در جهان دارم. ما هم خلأ قانونی داریم و هم نقص در قوانین موجود.

دکتر زرکلام: قوانین فعلی ایران چه در زمینه مالکیت ادبی و هنری و چه در زمینه مالکیت تجاری و صنعتی دارای نقایص فراوان است و حمایت‌های لازم را از پدیدآورندگان آثار فکری نمی‌کند.



با توجه به الحاق ایران به سازمان جهانی مالکیت فکری که بیش از بیست معاهده جهانی را در این زمینه مدیریت می‌کند با توجه به روند بین‌المللی شدن ثبت و حمایت چه فرصتها و چالشهایی را پیش‌اروی کشور و نظام حقوقی آن می‌بینید؟

دکتر صادقی: با استفاده از این فرصت اولاً کشور ما، که تاکنون از فرایندهای تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بین‌المللی در زمینه مالکیت فکری دور بوده، می‌تواند با حضور در بانلها و مجامع مختلفی که در کار تدوین و بازنگری و اصلاح مقررات بین‌المللی در زمینه مالکیت فکری هستند، با لحاظ منافع ملی خود و در کنار سایر کشورهای در حال توسعه در این فرایند تأثیرگذار باشد. ثانیاً می‌تواند با استفاده از تجارب سایر کشورها و حمایت سازمان جهانی مالکیت فکری به روزآمد کردن و تقویت نظام مالکیت فکری کشور در سطح داخلی بپردازد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین چالش و مشکلی که در کشور ما در جریان الحاق ایران به روندهای بین‌المللی حمایت از مالکیت فکری وجود دارد فقدان استراتژی و سیاست‌گذاری کارشناسی شده و جامع در حمایت از مالکیت فکری نزد متولیان اجرائی و تقنینی کشور است. البته این مشکل در سطح حمایت داخلی نیز وجود دارد.

دکتر میرحسینی: جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۸۰ به عضویت سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) در آمده است. این سازمان عمده معاهدات بین‌المللی در زمینه حقوق مالکیت فکری را که بالغ بر ۲۲ سند می‌گردد مدیریت می‌کند. اما این الحاق هیچ‌گونه تعهدی را برای دولت جهت الحاق به هر یک از اسناد فوق به وجود نمی‌آورد و تصمیم‌گیری در این خصوص با توجه به نیازهای توسعه‌ای کشور در قالب منافع ملی اتخاذ می‌گردد، به طوری که از سال ۱۳۸۰ تاکنون ایران به چهار سند بین‌المللی جدید به شرط پیش‌گفته، علاوه بر کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی ملحق شده است (الحاق به اصل کنوانسیون پاریس در سال ۱۳۳۷ و

به اصلاحات آن در سال ۱۳۷۷ صورت گرفته است).

اسناد چند جانبه تحت مدیریت وایپو در حوزه حقوق مالکیت صنعتی به طور کلی در سه دسته قابل طبقه‌بندی هستند:

۱. دسته نخست که به وضع استانداردهای ماهوی حمایت می‌پردازند، مانند کنوانسیون پاریس؛

۲. گروه دوم از اسناد، ثبت بین‌المللی مالکیت‌های صنعتی مورد حمایت را در کشورهای عضو تسهیل می‌نماید، مانند موافقت‌نامه مادرید در مورد ثبت بین‌المللی علائم؛

۳. سومین گروه از معاهدات به طبقه بین‌المللی علائم، طرح‌های صنعتی و اختراعات اختصاص دارند، مانند موافقت‌نامه استراسبورگ در مورد طبقه‌بندی اختراعات یا موافقت‌نامه نیس راجع به طبقه‌بندی علائم.

بنابراین دو دسته اخیر از اسناد دقیقاً به تسهیل امور شکلی حمایت می‌پردازد و به همین لحاظ الحاق به آنها در اولویت قرار دارد چرا که می‌تواند امکان کسب حمایت بین‌المللی برای صاحبان ایرانی حقوق مورد بحث را تسهیل نماید و از طی فرایندهای دشوار، پرهزینه و وقت‌گیر که بعضاً در کنوانسیون پاریس مقرر است پرهیز می‌شود. البته بدیهی است متقابلاً ایران نیز باید از حقوق مالکیت صنعتی موضوع این معاهدات که به اتباع کشورهای عضو این اسناد تعلق دارد حمایت نماید (تسهیل در امور شکلی)، با توجه به اینکه تقویت هم پیوندهایی، جهانی جمهوری اسلامی ایران و حضور فعال‌تر کشور در صحنه اقتصاد جهانی و بازارهای بین‌المللی براساس سند چشم‌انداز بیست ساله و قانون برنامه چهارم در دستور کار قرار دارد، بی‌شک بسط این نوع تعاملات، بدون قبول تعهدات در حوزه حقوق ماهوی، می‌تواند تسهیلات بیشتری را برای تجار، صنعتگران و کارآفرینان ایرانی برای حمایت از مالکیت‌های صنعتی خود در عرصه جهانی فراهم آورد، با توجه به اینکه در

گذشته غفلت از این مهم خسارتهای جبران‌ناپذیری را متوجه اقتصاد کشور کرده است. از سوی دیگر، دادن فرصت به صاحبان خارجی حقوق مالکیت صنعتی موضوع اسناد چندجانبه فوق برای حمایت سهل‌تر از حقوق خود در داخل ایران به دلیل شناسایی سهل‌تر ناقضان این حقوق، می‌تواند به ایجاد فضای رقابت مثبت و سازنده حتی برای تجار و صنعتگران داخلی کمک نماید.

اسناد تحت مدیریت واپسو در حوزه کپی‌رایت که بالغ بر شش سند می‌باشد نیز طبعاً عمدتاً به وضع و تدوین استانداردهای بین‌المللی در حوزه‌های مختلف مالکیت‌های ادبی و هنری مربوط می‌شوند زیرا به دلیل عدم نیاز به ثبت این نوع حقوق، به عنوان پیش شرط حمایت داخلی و بین‌المللی، اسنادی بین‌المللی در زمینه تسهیل ثبت یا طبقه‌بندی موضوعی مقولات کپی‌رایت نیز شکل نگرفته است. از آنجا که ایران تاکنون به هیچ یک از اسناد بین‌المللی در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری ملحق نشده است. طبعاً این فرصت نیز برای مؤلفین، مصنفین و هنرمندان کشور وجود ندارد که از آثار خود، در قالب ترتیبات چندجانبه، در میان کشورهای عضو آنها حمایت به عمل آورند. بدیهی است که اتباع کشورهای ملحق شونده نیز متقابلاً قادر به کسب حمایت از آثار خود، چنانچه برای نخستین بار در داخل ایران عرضه نشده باشند، در کشور ما نیستند و این خود زمینه استفاده غیر مجاز (سرقت ادبی) از این آثار را در داخل فراهم آورده است که به سهم خود می‌تواند به ایجاد فضای ناسالم حتی میان صاحبان ایرانی حقوق مالکیت ادبی و هنری کمک کند و از این ناحیه به حقوق اقتصادی آنان نیز لطمه وارد آورد، علی‌رغم اینکه در قوانین داخلی ناظر بر کپی‌رایت ضمانت‌اجراهایی برای جلوگیری از چنین موارد نقضی وجود دارد.

دکتر وصالی محمود: نظر به اینکه ایران با الحاق به سازمان جهانی مالکیت فکری، الزامی به پذیرش معاهداتی که تحت مدیریت آن سازمان بوده،

ندارد، از این جهت با مشکل خاصی روبه‌رو نیست. ولی، می‌تواند از این فرصت برای استفاده از توانمندی آن سازمان بهره‌گیرد و فرهنگ مالکیت فکری را در کشور توسعه دهد. این موضوع نیازی به سرمایه‌گذاری زیاد برای کشور ندارد. همان طوری که در چند سال گذشته اقداماتی صورت گرفت. ولی، اخیراً گویا متوقف شده است. مالکیت فکری، ماهیت جهانی دارد و تقریباً در همه دنیا مبانی مشترک داشته، ما باید تلاش کنیم از این فرصتها برای حداکثر آموزش نیروی انسانی استفاده کنیم. مشکل اصلی کشور ما با الحاق به سازمان تجارت جهانی شروع می‌شود که در آن صورت باید الزاماً مالکیت معنوی را در ابعاد وسیع‌تری بپذیریم که در وضعیت کنونی آن استعداد کافی را دارا نیستیم و باید آموزشهای لازم را پیش‌بینی کرد. قوه قضائیه هم در این زمینه آموزشهای کافی را انجام نداده و افراد مطلع در این زمینه بسیار محدود است.

دکتر زرکلام: الحاق ایران به سازمان مالکیت فکری در واقع اولین قدم برای وارد شدن در عرصه جهانی کالاهای فرهنگی و تجاری و صنعتی است. به‌خصوص در خصوص مالکیت ادبی و هنری امضای کنوانسیون برن و موافقت‌نامه تریپس خواهد بود. لذا از آنجا که پیوستن ایران به سازمان مالکیت فکری هیچ‌گونه تکلیفی را برای پیوستن به معاهدات موضوع آن ایجاد نکرده، لذا به نظرم فعلاً زود است تا از فرصتها و چالشهای پیش روی نظام حقوقی کشور صحبت کنیم.

\*\*\*

اخیراً ایران عضو ناظر سازمان تجارت جهانی شده است و باید روند قطعی الحاق را دنبال کند. یکی از پیش‌شرطهای این امر امضای موافقت‌نامه تریپس است با توجه به ویژگی این موافقت‌نامه در خصوص امضای آن چه ضرورتها و ملاحظاتی را می‌توان مشاهده کرد؟

دکتر صادقی: ویژگی موافقت‌نامه تریپس این است که اولاً تنها معاهده فراگیر است که همه زمینه‌های مالکیت فکری، از قبیل کپی‌رایت، حق اختراع، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی، مدارهای یکپارچه را در برمی‌گیرد و قلمرو اختراعات قابل ثبت را نیز به همه رشته‌های فناوری و به انواع اختراعات، اعم از فرآورده و فرایند تعمیم می‌دهد. ثانیاً بر خلاف معاهده‌های بین‌المللی گذشته حاوی مقرراتی تفصیلی در زمینه ضمانت اجراهای حقوق مالکیت فکری، اعم از ضمانت اجراهای مدنی، کیفری و مرزی است. علاوه بر اینکه کشورهای عضو در صورت تخطی کشورهای عضو از تکالیف و تعهدات خود در شورای موسوم به شورای تریپس مورد بازخواست قرار می‌گیرند. طبعاً ورود به این سیستم برای کشورهایی مثل ایران که فاقد نظام مؤثر، جامع و روزآمد حمایت از مالکیت فکری بوده‌اند، در صورتی که با برنامه‌ریزی درستی همراه نباشد می‌تواند برای صنعت، اقتصاد و فرهنگ کشور مشکل‌آفرین باشد. مخصوصاً در زمینه حق مؤلف، که طبق مقررات جاری حمایت از آن محدود به آثاری است که برای نخستین بار در ایران منتشر می‌شوند، ورود یک باره به این نظام ممکن است مشکلاتی را برای صنعت نشر و جامعه علمی کشور که مصرف‌کننده اصلی این گونه آثار است به بار آورد. مگر اینکه در فرصت و فاصله‌ای که تا الحاق قطعی به سازمان تجارت جهانی وجود دارد اقدامات جدی برای به روز کردن قوانین و زمینه‌سازی برای ورود به این عرصه جدید صورت گیرد.

دکتر میرحسینی: کشورهایی که خواهان عضویت در سازمان جهانی تجارت سازمان تجارت جهانی هستند ملزم‌اند کلیه مقررات آن در قالب موافقت‌نامه‌ها را به عنوان بسته‌ای واحد و بدون هیچ‌گونه قید و شرطی بپذیرند و قوانین داخلی خود را با این مقررات سازگار نمایند. ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست از جمله موافقت‌نامه‌های فوق، موافقت‌نامه تریپس است که ناظر بر جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری است که ضمن تعیین

حداقل استانداردهای حمایت در حوزه‌های مالکیت فکری، اعم از مالکیت صنعتی یا مالکیت ادبی و هنری، حداقل استانداردهایی را نیز برای اجرای حقوق مالکیت معنوی و ضمانت اجراهای مربوط تعیین می‌نماید. در بیان استانداردهای حمایتی حقوق مالکیت فکری، موافقت‌نامه مذکور به مقررات ماهوی چهار سند بین‌المللی یعنی کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری، کنوانسیون رم در خصوص اجراکنندگان، تولیدکنندگان آثار صوتی و سازمانهای پخش‌کننده و موافقت‌نامه واشنگتن در مورد حمایت از طرح ساخت مدارهای یکپارچه ارجاع می‌دهد که رعایت استانداردهای مقرر در آنها برای اعضا الزام‌آور است و باید آنها را وارد قوانین داخلی خود نمایند. علاوه بر این چهار سند، تریپس خود مقررات جدیدی نیز به آنها می‌افزاید که آنها نیز باید در قوانین داخلی در نظر گرفته شوند. بنابراین کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی بدون اینکه ملزم به عضویت به اسناد چهارگانه فوق باشند، مکلف‌اند مقررات ماهوی آنها را به شرح مذکور در موافقت‌نامه تریپس رعایت نمایند. با توجه به مراتب فوق ایران نیز باید طی فرایند الحاق، قوانین مالکیت فکری خود را با مقررات مربوط در اسناد فوق و موافقت‌نامه تریپس تطبیق دهد. همان‌طور که در پاسخ به سؤال ۳ مطرح گردید ایران در هر دو حوزه حقوق مالکیت صنعتی و حقوق مالکیت ادبی و هنری با خلأ قانونی روبه‌روست و از میان چهار سند فوق‌الذکر فقط به کنوانسیون پاریس ملحق شده است که مقررات آن نیز به طور ناقص در قوانین داخلی انعکاس یافته و حمایت می‌شود. لذا لازمه الحاق به سازمان تجارت جهانی تکمیل قوانین داخلی طبق استانداردهای مقرر در تریپس و از جمله چهار سند فوق است. در حوزه کپی‌رایت بر خلاف مالکیت صنعتی، حمایت از مالکیت‌های ادبی و هنری اتباع کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی، بر خلاف مقررات فعلی

باید در ایران به رسمیت شناخته شود و در این خصوص جایی برای مذاکره وجود ندارد. از سوی دیگر از آنجا که در موافقت‌نامه تریپس، هیچ‌گونه حقی برای ایراد شرط (تحفظ) پیش‌بینی نشده است، مفاد این موافقت‌نامه در هیچ موردی قابل مذاکره نمی‌باشد. حتی بخش مربوط به علائم جغرافیایی و حمایت بی چون و چرا از علائم مربوط به مشروبات الکلی نیز باید پذیرفته شود، هر چند موضوع حمایت به دلیل عدم ورود و ممنوعیت ورود چنین مشروباتی به ایران در عمل منتفی است.

به جز استانداردهای ماهوی حمایت از حقوق مالکیت فکری به شرح فوق، موافقت‌نامه تریپس بر خلاف کلیه موافقت‌نامه‌های تحت مدیریت سازمان جهانی مالکیت فکری برای نخستین بار استانداردهایی را برای اجرای حقوق مالکیت فکری تعیین کرده است که باید در قوانین مالکیت فکری کشور یا سایر مقررات عمومی مرتبط مانند قانون مجازات اسلامی یا قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری و مقررات گمرکی لحاظ گردد. از این حیث نیز تعارضات اندکی میان مقررات فعلی و استانداردهای اجرائی موردنظر سازمان تجارت جهانی به چشم می‌خورد که عمدتاً به موضوع تعیین مجازاتهای کیفری برای موارد جعل یا تقلید مالکیت‌های صنعتی مربوط می‌شود. برخی نارساییها در مقررات امور گمرکی کشور نیز در ارتباط با تریپس مشهود است که عمدتاً به اختیارات گمرک، مستقل از دستگاه قضائی برمی‌گردد. در مقررات آیین دادرسی نیز موارد بحث‌انگیزی وجود دارد.

دکتر وصالی محمود: امضای موافقت‌نامه تریپس، تعهدات ایران را در زمینه مالکیت فکری توسعه می‌دهد. البته مقررات موجود به لحاظ (طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی، علائم و نامهای تجاری) در خصوص مالکیت صنعتی چندان مشکلی در پیش نخواهد بود. زیرا با ضوابط تریپس در مالکیت فکری چندان تفاوتی در بین نیست. فقط در مواردی که قانونی وجود ندارد باید تصویب شود. مانند طرح ساخت مدارهای یکپارچه. اما در مورد

حقوق مالکیت ادبی و هنری تعارض زیاد است که پس از ملاحظه لایحه مربوط اظهار نظر خواهد شد.

دکتر زرکلام: مسلماً پیوستن ایران به موافقت‌نامه تریپس به معنای پیوستن ایران از جمله به کنوانسیون برن راجع به آثار ادبی و هنری خواهد بود و این الحاق بدون تردید و به دلیل لزوم حمایت بین‌المللی از آثار ادبی و هنری و نرم‌افزاری موجب رشد ناگهانی قیمت کالاها و محصولات فرهنگی خواهد شد. در کنار این عیب مسلم و حتمی، پیوستن ایران به کنوانسیون برن و موافقت‌نامه تریپس این حسن را خواهد داشت که اولاً از محصولات فرهنگی ایران در خارج از کشور و به خصوص در کشورهای عضو موافقت‌نامه تریپس حمایت خواهد شد و ثانیاً اقتصاد ایران گامهای اولیه را در راه جهانی شدن (علی‌رغم معایب آن) برخواهد داشت و وارد بازار بین‌المللی عرضه محصولات فرهنگی خواهد شد. به نظر می‌رسد باید تحقیق جامعی به عمل آید تا آثار اقتصادی و حقوقی و اجتماعی این الحاق مشخص شود ولی اینجانب پیوستن به کاروان فرهنگی جهانی را ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر می‌دانم.

پژوهشگاه ملی مطالعات فرهنگی

هم‌اکنون دو پیش‌نویس قانون در قالب طرح و لایحه آماده شده است یکی طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی، علائم و نامهای تجاری و دیگری پیش‌نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت فکری و ادبی و حقوق مرتبط نظر حضرت‌عالی در مورد هر یک از آنها با لحاظ محورهای زیر چیست؟

(جامع و مانع بودن، هماهنگی با تحولات و پیشرفتهای جهانی این شاخه از حقوق، کارآیی ضمانت اجراهای پیش‌بینی شده، تحولاتی که نسبت به قوانین قبلی ایجاد می‌کند.)

دکتر صادقی: باید توجه داشت که این دو پیش‌نویس بر مبنای قانونهای



نمونه‌ای تهیه شده که سازمان جهانی مالکیت فکری (WIPO) به کشورهای در حال توسعه پیشنهاد کرده و صرف نظر از پاره‌ای نقایص، به نظر می‌رسد با شرایط کنونی کشور ما انطباق دارند و از جامعیت لازم برای هماهنگی با تحولات و پیشرفتهای جدید برخوردارند. اما نحوه وضع و روند تصویب این دو پیش‌نویس به نظر اینجانب قابل انتقاد است. چرا که این دو پیش‌نویس با ساختاری کاملاً متفاوت نسبت به قوانین گذشته کشور و بدون ارتباط و هماهنگی با آنها و با ادبیاتی غیربومی و ترجمه‌ای وضع شده‌اند. گویا در کشوری قانون وضع می‌شود که از هرگونه پیشینه و سابقه‌ای در این زمینه بی‌بهره است. به نظر می‌رسد بهتر است، مثل خیلی از کشورها با حفظ میراث قریب هشتاد ساله قانون‌گذاری کشور، مقررات جدید در قالب مواد اصلاحی یا تبصره به قوانین گذشته الحاق شوند. البته حُسن قانون‌گذاری ترجمه‌ای این است که با صرف وقت و هزینه کمتری قابل انجام است! ولی قانون‌گذاری بومی مستلزم صرف هزینه و وقت و زحمت و استفاده بیشتر از نظرات کارشناسان است. با این وضع از هم اکنون به جرأت می‌توان پیش‌بینی کرد که بسیاری از مفاهیم و عباراتی که در این پیش‌نویسها آمده، چه برای حقوق‌دانان و قضات و چه برای متولیان اجرائی مبهم و غیرقابل فهم است و موجب برداشتهای مختلف و تشتت رویه‌های اجرائی و آراء قضائی خواهد شد. البته پیش‌نویس قانون مالکیت ادبی هنری هنوز به مجلس نرفته اما پیش‌نویس قانون ثبت اختراعات و علائم تجاری و طرحهای صنعتی به مجلس رفته و شور اول آن هم گذشته و متأسفانه بنابر اطلاعات واصله، دستخوش تغییرات غیرکارشناسی عجیب و تأسف برانگیزی شده است. به هر حال در صورتی که فرایند تدوین و تصویب این دو قانون به نحو صحیح انجام شود نظام حمایت قانونی حقوق مالکیت فکری کشور کامل‌تر خواهد شد. اما ضعف عمده ما در حمایت از حقوق مالکیت فکری، بیش از آنکه مربوط به نقایص تقنینی باشد، در فقدان حمایت قضائی کارآمد و نبود سازوکارهای شبه

قضائی است، که شرح آن مجال دیگری می‌طلبد.

دکتر میرحسینی: این پیش‌نویسها با عنایت به تعهدات ناشی از موافقت‌نامه تریپس، مقررات پذیرفته شده در کنوانسیونهای مهم بین‌المللی در زمینه مالکیت فکری و نیز الزامات حقوق داخلی، در ارتباط با حقوق مالکیت فکری، تهیه شده است و از این حیث بسیاری از خلأها، نارساییها و تعارضات موجود میان نظام داخلی حمایت از مالکیت فکری و تعهدات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در قبال معاهدات چندجانبه الحاقی (با رعایت مفاد تریپس) را در سطح «حداقل لازم برای حمایت» مرتفع می‌سازد. بنابراین پیش‌نویسهای تعیین شده کوشش داشته میان نیازهای توسعه کشور و قبول تعهدات در حمایت از حقوق مالکیت فکری توازن و تعادلی برقرار کند، به نحوی که هزینه‌های گزافی «به صرف حمایت از حقوق مالکیت فکری در سطح عالی» برای کشور و صاحبان این حقوق ایجاد نگردد. یکی از پیش‌نویسهای فوق به حمایت از نشانه‌های جغرافیایی مربوط می‌گردد که در سال ۱۳۸۳ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشته است. این قانون در انطباق با مقررات بین‌المللی، برای نخستین بار از نشانه‌های مربوط به کالاهای ایرانی که متناسب به مکانهای جغرافیایی خاصی در کشور هستند و شهرت و معروفیت آنها به دلیل تولید در این مکانهاست، حمایت به عمل می‌آورد. کالاهای سنتی ایرانی که بعضاً در بازارهای بین‌المللی نیز شناخته شده هستند، مانند فرش، زعفران، پسته و بسیاری از محصولات دیگر می‌توانند با نام محلی که در آنجا تولید می‌شوند از حمایتهای پیش‌بینی شده در این قانون بهره‌مند گردند و حتی به اتکای موافقت‌نامه لیسبون (۱۹۵۸) و مادرید (۱۸۹۱) به شرح پیش‌گفته در سطح بین‌المللی نیز مورد حمایت قرار گیرند. قابل توجه است که به دلیل سوءاستفاده از این نامهای جغرافیایی محصولات ایرانی، تاکنون زیانهای هنگفتی متوجه اقتصاد کشور شده و ایران

بخش عمده‌ای از بازارهای بین‌المللی را از دست داده و آنها را به تولیدکنندگان کالاهای تقلبی به نام کالاهای ایرانی واگذار کرده است نمونه بارز آن فرش دستبافت ایرانی است، بنابراین قانون فوق‌الذکر پس از تصویب توانسته است یکی از خلأهای مهم موجود در قوانین مالکیت صنعتی کشور را پر نماید.

پیش‌نویس دوم به موضوع حمایت از اختراعات، طرحهای صنعتی و علائم و نامهای تجارتي مربوط می‌گردد که تنها از تصویب کمیسیون قضائی (به عنوان کمیسیون اصلی درگیر) گذشته و اینک جهت طرح در صحن علنی مجلس آماده و در نوبت می‌باشد. در صورت تصویب این پیش‌نویس، قانون ثبت علائم و اختراعات نسخ و مقررات آن در موارد زیر تکمیل می‌شود:

۱. تدوین مقررات حمایتی برای طرحهای صنعتی و نامهای تجاری که در قانون ۱۳۱۰ مشاهده نمی‌شود.

۲. پیش‌بینی مجوزهای اجباری که در قانون فعلی وجود ندارد.

۳. افزودن حق تقدم و مهلت ارفاقی به نفع مخترع که در قانون فعلی وجود ندارد.

۴. تطبیق تعاریف و معیارهای حمایت از علامت و اختراع (در قانون فعلی) با تعاریف پذیرفته شده در کنوانسیونهای بین‌المللی به‌ویژه موافقت‌نامه تریس.

۵. پیش‌بینی ضمانت اجرای حقوقی و کیفری مستقل، در سازگاری با الزامات تریس که در قانون ۱۳۱۰ بسیار ناقص بوده و در زمینه مجازاتها، متکی به قوانین عمومی است.

دکتر وصالی محمود: مبنای طرح ثبت اختراعات، طرحهای صنعتی، علائم و نامهای تجاری پیشنهاد طرحی است که سازمان جهانی مالکیت فکری ارائه کرده است. و در این طرح حداقلی از حقوق صاحبان این حقوق منظور شده است. به عبارت دیگر این طرح برای کشورهای جهان سوم و در حال توسعه

توصیه می‌شود و با تغییراتی که با فرهنگ کشور، تطبیق می‌شود، اصلاح گردیده و به صورت قانون در می‌آید.

در وضعیت موجود باید این طرح را ارج نهاد. زیرا:

۱. دو موضوع «طرح‌های صنعتی و نام‌های تجاری» که تاکنون به دلیل نبودن قانون، مورد حمایت نبود و به ویژه در مورد نام‌های تجاری مشکل بسیار در مراجع قضائی وجود دارد، تحت قانون قرار می‌گیرد؛

۲. برخی خلأها در مورد علائم تجاری مانند «علائم جمعی» برطرف شده که البته در این مورد چندان مشکل نداشتیم؛

۳. حمایت کیفری که در سال‌های اخیر تضعیف و در مواردی به فراموشی سپرده شده بود، احیا شده و نکته مثبت و مهم این طرح می‌باشد که بسیار ضروری بود و موجب نظم و حفظ حقوق مالکین خواهد بود. اما نمی‌توان این طرح را در حد کشورهای پیشرفته تلقی کرد و یا حتی در حد برخی کشورهای آسیایی مانند سنگاپور و مالزی. زیرا همان طوری که در ابتدا اشاره شد، این طرح ابتدا در خارج از کشور تهیه و در داخل اصلاح و تعدیل شده است و یک کار تحقیقی و اصیل داخلی نیست. باید در اثر گذشت زمان و تجربه، به سرعت در مقام اصلاح و تغییر منطبق با شرایط نیازهای کشور قرار گیرد. اما در هر حال، باید برای تصویب و اجرائی شدن آن تسریع نمود.

در خصوص پیش‌نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط هرچند در فرصت محدود نمی‌توان تحلیل جامعی ارائه داد اما ملاحظات زیر قابل توجه است:

۱. عنوان قانون طولانی انتخاب شده و مناسب نمی‌باشد. اگر یک قاضی بخواهد به این قانون استناد کند زمان زیادی برای نوشتن عنوان صرف می‌شود و باید به فکر استفاده‌کننده از قانون هم بود. اما از حیث جامع بودن به طور مسلم نسبت به قانون موجود بسیار مترقی‌تر است و موضوعاتی که در

قانون فعلی مطرح نشده در این لایحه دیده می‌شود. به هر صورت این لایحه هم منشأ برون مرزی دارد و صرفاً متخذ از نیازهای داخلی نیست، بلکه ضرورت‌های داخلی و بین‌المللی سبب ترجمه این لایحه از قانون نمونه وایو گردیده است که فهمیدن برخی از واژه‌ها و عبارات آن مانند «تقصیر سنگین» اشکال ایجاد خواهد کرد. از این رو، به اجرا در آوردن این لایحه پس از آنکه به قانون تبدیل شود، با مشکلات زیادی همراه خواهد بود. این لایحه در مقایسه با قوانین کشورهای جهان سوم که سابقه چندانی در آشنایی با مالکیت ادبی و هنری ندارند مناسب می‌باشد. اما در مقایسه با قانون کپی‌رایت ایالات متحده آمریکا که ۸۱۴ ماده را شامل می‌گردد، قانونی ابتدائی به شمار خواهد رفت. در نتیجه باید باب اصلاح قانون همواره مفتوح باشد تا به مرور زمان تکمیل گردد و مانند برخی قوانین دیگر پس از مدتی کنار گذاشته نشود و قانون جدیدی جایگزین آن شود. بنابراین، (لایحه فعلی) نسبتاً جامع است و مانع هم می‌باشد زیرا خارج از موضوعات ضروری مالکیت ادبی و هنری موضوعات دیگری را در بر ندارد.

۲. لایحه موجود با دیدگاه امکان‌الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی و لزوم هماهنگی با قوانین مالکیت ادبی و هنری (کپی‌رایت) دیگر کشورها و مقررات گات فراهم آمده و از آنجا که وایو هم در تدوین آن نظارت داشته و مواد لایحه نیز بیانگر و مؤید این امر بوده، با تحولات و پیشرفتهای جهانی در این بخش از حقوق هماهنگ می‌باشد، اگرچه به جامعیت قوانین کشورهای بزرگ صنعتی مانند آمریکا و ژاپن و اروپا نیست مع الوصف از قانون فعلی کشور خیلی پیشرفته‌تر می‌باشد.

۳. در خصوص ضمانت اجراهای مدنی و کیفری قانون وجود هم نقص اساسی ندارد و لایحه نیز با دیدگاه جهانی تنظیم یافته و ضعفی از این جهت دیده نمی‌شود و حتی از قانون فعلی کامل‌تر است. به‌طور مثال: در بند ۲ ماده ۷۴ برای محکوم‌علیه، در صورت عدم اجرای حکم مراجع قضائی جزای

نقدی مقرر داشته که در قانون موجود چنین مطلبی نیست. اما تکلیف اجرای حکم پس از پرداخت جزای نقدی را مشخص نکرده است و بهتر است روشن گردد.

۴. در لایحه مطرح شده تحولات زیادی دیده می‌شود که به برخی از موارد عمده اشاره می‌شود:

الف) حمایت از حقوق مادی به پنجاه سال از تاریخ فوت پدیدآورنده افزایش یافته در صورتی که قانون فعلی سی سال مقرر داشته است. این مدت بسیار معقول و با معیارهای جهانی انطباق دارد. ادعای برخی از اشخاص به حمایت دائمی نه با اصول جهانی انطباق دارد و نه با سابقه تاریخی و فرهنگی ما سازگار می‌باشد.

ب) اصطلاحات حقوقی و برخی از واژه‌های ضروری در ابتدا تعریف شده که از محاسن لایحه بوده و در قانون موجود چنین ابتکاری وجود ندارد.

ج) در قلمرو اجرا و حمایت از حقوق پدیدآورنده تغییراتی صورت گرفته است. به طور مثال آثاری که برای اولین بار در کشور دیگری انتشار یافته و ظرف سی روز از تاریخ انتشار نخستین، در ایران منتشر شده بدون توجه به تابعیت یا محل سکونت پدیدآورنده، قابل حمایت خواهد بود (بند ب ماده ۲) و یا ماده ۴ در خصوص اجراکنندگان حمایت گسترده‌تر شده است.

د) ضوابط مربوط به تکثیر اثر با معیار شخصی گسترش یافته که در قانون موجود بسیار مختصر و مجمل می‌باشد.

ه) حقوق مرتبط، با مالکیت ادبی و هنری نیز از عناوین و موضوعات جدید است که به این صورت در قانون فعلی بی سابقه بوده است و از موضوعاتی است که در سایر کشورها هم سابقه چندانی طولانی ندارد.

خلاصه اینکه، در لایحه، نوآوری بسیار است و در صورت تصویب در مجلس تحول اساسی در حقوق مالکیت ادبی و هنری ایجاد خواهد کرد.

طولانی شدن مرحله تصویب هم به زیان کشور است زیرا ما در این زمینه بیش از اندازه تأخیر داریم و اتکا به منابع زیرزمینی نباید ما را از سرمایه‌های معنوی که پیشرفت کشور وابسته به آنها بوده باز دارد. معرفی همین لایحه و مفاد آن به جامعه خود به سالیان طولانی زمان نیاز دارد، از این رو باید تسریع نمود.

دکتر زرکلام: در خصوص طرح راجع به ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و... با توجه به اینکه خارج از حوزه تخصص اینجانب است نمی‌توانم اظهار نظر کارشناسی کنم. اما در خصوص لایحه حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط موارد زیر به نظر می‌رسد:

۱. در فصل اول بخش اول راجع به تعاریف:

۱-۱. تعریف اثر ناقص است و ارجاع به مواد ۷ و ۸ کافی نیست. تعریف اثر به نحو مذکور در ماده ۷ دقیق‌تر به نظر می‌رسد.

۱-۲. از نظر شیوه قانون‌گذاری بهتر است اثر جمعی و مشترک در یک بند ذکر شود. به علاوه تعریف اثر مرکب هم به لحاظ آثار حقوقی مترتب بر آن ضرورت دارد.

۱-۳. از آنجا که در بند ب ماده ۸ ظاهراً تهیه‌کنندگان لایحه دفاع از حقوق ایجادکنندگان پایگاه داده را نیز در نظر داشته‌اند لذا تعریف پایگاه داده در فصل تعاریف ضرورت دارد.

۱-۴. تعریف اثر جمعی از چند حیث دارای ایراد است: اولاً ضرورتی ندارد برای اینکه اثری جمعی شناخته شود اشخاص پدیدآورنده و مدیران الزاماً از هم جدا باشند. ثانیاً باید این نکته به تعریف اضافه شود که اثر جمعی ناشی از مشارکت شخصی پدیدآورندگان متعدد در تألیف و تدوین اثر است بدون اینکه اختصاص حق جداگانه برای هر یک از آنها ضرورت داشته باشد.

۱-۵. تعریف دارنده حقوق باید با دقت بیشتری انجام شود. زیرا هرچند

حقوق معنوی اصولاً قابل انتقال نیست ولی برخی از جنبه‌های حقوق معنوی نظیر حق عدول به دلیل تغییر اعتقادات تحت شرایطی توسط وراثت نیز قابل اعمال است.

۶-۱. تعریف پدیدآورنده به نحو مذکور در بند ۱۲ ماده ۱ به خصوص در آن قسمت که به نرم‌افزار مربوط است دارای ایراد است چون به عنوان مثال زمانی که نرم‌افزار در طول استخدام توسط مستخدم ایجاد می‌شود ممکن است همه مراحل توسط یک شخص انجام نگردد ولی پدیدآورنده نرم‌افزار محسوب شود. لذا افزودن شخص حقوقی به عبارت انتهایی بند ۱۲ ضرورت دارد.

۷-۱. تعریفی که از تکثیر در بند ۱۴ ماده ۱ به عمل آمده ناقص است و شامل برخی از اشکال تکثیر نظیر تکثیر آثار معماری و هنرهای تجسمی نیست. لذا تکثیر اثر را می‌توان چنین تعریف کرد: ارائه مادی اثر به هر وسیله که امکان ارتباط با مردم را به طریق غیرمستقیم ممکن سازد.

۸-۱. در لایحه اثر بی‌نام یا با نام مستعار تعریف نشده و آثار حقوقی آن نیز مشخص نشده است.

۲. در فصل دوم راجع به قلمرو اجرا:

۱-۲. در بند الف ماده ۲ برای رفع ابهام این عبارت افزوده شود: «اعم از اینکه اثر در ایران یا خارج از ایران خلق شده باشد».

۲-۲. در ماده ۳ پس از پیمانهای بین‌المللی عبارت «با قراردادهای یا معاهدات دوجانبه یا چندجانبه» اضافه شود.

۳-۲. ماده دیگری پس از ماده ۳ به شرح زیر اضافه شود: «مقررات این قانون نسبت به آثار ایجاد شده در خارج از ایران چنانچه پدیدآورنده تبعه کشوری باشد که در آن کشور از آثار ایجاد شده توسط اتباع ایرانی حمایت قانونی مؤثر به عمل می‌آید اعمال خواهد شد».



۳. در فصل اول بخش دوم راجع به آثار مورد حمایت:

- ۱-۳. حمایت از پایگاه داده باید به صورت جداگانه و مشخص مورد تأکید قرار گیرد و در فصل تعاریف نیز تعریف مناسبی از آن به عمل آید.
- ۲-۳. جایگاه طرح ماده ۱۰ راجع به نرم افزارهای مکمل و سازگار با دیگر نرم افزارها جایگاه مناسبی نیست. این ماده باید در کنار مجموع موادی قرار گیرد که در خصوص نرم افزار آمده است. (ماده ۲۳ به بعد)

۴. در فصل سوم بخش دوم:

- ماده ۱۷ باید به گونه‌ای انشا شود که اصل انحصاری بودن حق بهره‌برداری مادی از آن استنباط شود. در نگارش فعلی اصل وارونه شده است.

۵. لایحه به جهات زیر ناقص است:

- ۱-۵. عدم پیش‌بینی مقررات راجع به پایگاه داده.
- ۲-۵. عدم پیش‌بینی مقررات راجع به شرکتهای دریافت و تقسیم حقوق (شرکتهای مدیریتی).
- ۳-۵. عدم پیش‌بینی مقررات راجع به آثار با نام مستعار و گمنام.
- ۴-۵. عدم پیش‌بینی قراردادهای مالکیت فکری و مقررات آمره راجع به آنها.
- ۵-۵. کامل نبودن مقررات راجع به ضمانت اجراها و اقدامات تأمینی.
- ۶-۵. ناقص بودن مقررات راجع به مالکیت فکری نرم‌افزار.
- ۷-۵. ناقص بودن مقررات راجع به حقوق جانبی.

## مقاله

- 
- حمایت از مالکیت‌های ادبی و هنری و سیر تحول آن در حقوق ایران
  - حقوق مالکیت فکری؛ تاریخچه و مبانی
  - مطالعه تطبیقی حقوق ناشی از ثبت علامت تجاری
  - حقوق پدیدآورنده پایگاه داده
  - مطالعه‌ای تطبیقی در حقوق خارجی و حقوق ایران
  - ضمانت اجراهای حقوق مالکیت ادبی و هنری
  - در حقوق ایران و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی
  - قرارداد نشر و شرایط تنظیم آن در حقوق ایران و انگلستان
  - مالکیت صنعتی در موافقت‌نامه تریپس و کنوانسیون پاریس
  - حقوق اسرار تجاری در عصر فناوری اطلاعات
  - بایسته‌های قانونی نظام مالکیت فکری ایران
  - در مسیر الحاق به سازمان تجارت جهانی
  - حقوق پدیدآورنده برنامه رایانه‌ای؛ مطالعه تطبیقی
  - شرایط ماهوی شناسایی حق اختراع
  - بررسی تطبیقی در حقوق ایران و موافقت‌نامه تریپس
-



شہزادہ شاہجہاں شاہ علموں انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علموں انسانی